

ضرورتی به نام ضوابط پوشش در دانشگاه‌ها

تا به حال به این موضوع فکر کرده‌اید رفت‌وآمد با وسایل نقلیه عمومی علاوه بر اینکه هزینه کمتری را شامل می‌شود و به کاهش آلودگی هوای شهر و ترافیک کمک می‌کند مزایای دیگری هم دارد؟ چه مزایایی؟ مثلا توسعه ارتباطات اجتماعی، یا مثلا اطلاع از اخبار روز و آشنایی با همشهریان و هموطنان.

امروز که در مترو بودم به این موضوع دقت کردم، چرا که من دانشجوی نیستم و از فضای دانشگاه دورم اما در مترو چند دختر دانشجو بلند و حتی با نازاحتی در باره فضای دانشگاه با یکدیگر صحبت می‌کردند به طوری که صدای بلند آنان سبب شد تا مسافران دیگر مترو هم وارد بحث آنان شوند.

بحث‌ها را گوش کردم و تا حدودی فضای دانشگاه را لمس کردم، فضایی که در تصور محل کسب علم و دانش است و فرهیخته‌ترین افراد یک کشور از آنجا خارج می‌شوند.

یکی از آن دختران دانشجو که به نظر از بقیه ناراحت‌تر می‌آمد، می‌گفت: اصلافضا به گونه‌ای شده که بهتر است نام دانشگاه را تغییر دهند، این چه وضع پوششی است که برخی دانشجویان دارند؟ مثلا دانشگاه یک محیط علمی است، محیط‌های علمی در همه جای دنیا ضوابط و پوشش خاص خود را دارند.

دیگری می‌گفت: بله هر دانشجویی به هر شکلی که می‌خواهد به دانشگاه می‌آید در حالی که باید قواعد مشخصی برای دانشگاه وجود داشته باشد، هر جای لباس خاص خود را دارد و این را باید خودمان به عنوان شخص جامعه بدانیم. دوست دیگری

آنها صحبت دوستش را قطع کرد و گفت: اصلا برخی پوشش‌ها عجیب است، این سطح از بی‌توجهی در دانشگاه جایی سؤال از مسئولان دارد، مسئولان باید برخورد سلی داشته باشند.

همین‌جا بود که مسافران دیگر مترو هم به بحث این چند دانشجو وارد شدند، خانمی که سن و سالش بیش از ۵۵ سال می‌خورد، با برخورد سلبی مخالفت کرد و گفت: من خودم دختر سیست ساله دارم، با جوان امروزی نمی‌شود با برخورد سلبی رفتار کرد باید برخورد آموزشی و فرهنگی داشته باشیم.

یکی دیگر از مسافران مترو گفت: دانشگاه‌ها یادگان نیست که بتوان یک یونیفرم ثابت برای تمام

رویکرد تحولی به شعار سال از این جهت حائز اهمیت استد که مسئله تورم و عدم کفایت رشد تولید مسائل ریشه‌دار اقتصاد ایران هستند و منتقا قرار نیست ادامه مسیر قبلی نتایج متفاوتی نسبت به گذشته به ارمغان آورد، بنابراین تحول لازمه رسیدن به رشد تولید و مهار تورم است.

همین‌جا تحول از سال جاری نصب‌العین قرار داد:اولا در نگاه ایشان «تحول لزوماً یک حادثهٔ دفعی نیست؛ گاهی تحول تدریجاً اتفاق می‌گردد، به سبب سبب‌های چنانچه هدف‌گیری و نشانه‌گیری درست انجام گرفته باشد و حرکت به معنای واقعی اتفاق بیفتد، اگر چنانچه به هدف تحول هم دیر برسیم ایرادی ندارد؛ عمده این است که راه را برویم، حرکت را انجام بدهیم.» لذا ضروری است متناسب با اهمیت موضوع «مهار تورم و رشد تولید» برنامه‌ریزی کرد و بر اساس آن عمل کرد و از اقدامات شتاب‌زده و شکلی که منافع‌اندک کوتاهمدت و مضرات قابل توجه در بلندمدت خواهد داشت، خودداری کرد. ثانیاً بر اساس نظر ایشان «تحول صحیح احتیاج دارد به پشتوانه فکری؛ یعنی هر حرکت بی‌پشتوانه فکری را نمی‌شود تحوّل دانست.» لذا ضروری است از تمسک به بن‌سخت‌ها و اجتناب و بدون پشتوانه نظری و نیز اشتباهات قبلی پرهیز کرد و فرصت خطیر فعلی را با آزمون و خطا ضایع نکرد.

و اما برخی از محورهای تحولی که برای تحقق شعار سال باید برای آنها برنامه‌ریزی کرد:
۱- ضرورت تقویت نظام تصمیم‌گیری در کشور
یکی از نقاطی که به نظر می‌رسد دچار ضعف است نظام تصمیم‌گیری در کشور(اعم از قوه مجریه و مقننه و…) است که یکی از پایه‌های مهم تورم مزمن و رشد اندک در دهه‌های اخیر بوده است.

در طول دهه‌های گذشته راهکارهای فنی برای مهار تورم به کرات مطرح شده است ولی در برخی موارد توان تصمیم‌گیری،اجماع‌سازی نخبگانی،همراه‌کردن مردم و اجزای درست برنامه فراهم نشده است.

برخی از مؤلفه‌های این ضعف عبارت‌اند از ضعف نظام کارشناسی و مدیریتی به دلیل تضعیف تخصص‌گرای و شایسته‌سالاری (ناشی از اشکالات فرآیند جذب و ارتقای نیروها و استخدام نامن آنها، نظام جریان خدمات و تشویق و تنبیه، عدم رعایت استقلال کارشناسان در اظهارنظر و…)، عدم تناسب اختیارات و پاسخگویی در مراجع تصمیم‌گیری، اصالت دادن به تصمیم‌گیری سراسری در مقابل اعطای اختیارات به متولی واحد، عدم تجزیه به معنای واقعی و مفید آن (کنال‌کشی در درون جامعه، برای گسترش فکر درست- چه فکر عقیدتی و اسلامی، چه فکر سیاسی -و تربیت کاردهای گوناگون، تعدد نهادهای تصمیم‌گیر و عدم تقسیم کار بین آنها و اضافه شدن موارد جدید در سال‌های گذشته، ساختارهای انتخاباتی اکثریتی به‌جای تناسی که منجر به حذف نمایندگان برخی

دانشگاه

Daneshgah@Kayhan.ir

که به هنجارهای پوششی بی‌توجه هستند، برخورد کند باید او را به شورای انضباطی معرفی کند اما ما معرفی دانشجویان را مرحله آخر در نظر گرفته ایم. اعتقاد وزیر علوم نیز این است‌که دانشگاهیان برای ورود به دانشگاه‌ها باید شئونات آن را رعایت کنند، حتی در کشورهای خارجی هم به همین صورت است که البته بیشتر دانشجویان در ایران نیز این کار را انجام می‌دهند.

رئیس دانشگاه آزاد هم معتقد است: تاکنون با موضوع پوشش دانشجویان به صورت حراستی برخورد می‌شود، اما باید بدانیم حراست دانشگاه، معلم تربیت اجتماعی نیست بلکه این موضوع باید از سوی اساتید آموزش داده شود.

بنابراین با رئیس دانشگاه علامه طباطبایی تماس گرفتم، وی در این باره گفت: وزارت علوم مصوب کرده است که دانشگاه‌ها برای رسیدگی به حجاب یک شورا به نام شورای‌های تشکیل دهند که این شورا در دانشگاه علامه طباطبایی تشکیل شده است. به گفته نامبرده، مسئولیت این شورا آموزش و فرهنگ‌سازی در حوزه حجاب و پوشش در دانشگاه‌ها است. رئیس دانشگاه علامه اعتقاد دارد، فضای دانشگاه اقتضا می‌کند به گونه‌ای رفتار کنیم که بحث حجاب و عفاف یک امر خودخواسته باشد و افراد براساس تحلیل به حجاب اعتقاد پیدا کنند که در این زمینه واقعا ما دستمان برای استدلال خالی نیست، حجاب پشتوانه نظری و عقلی قوی دارد و



می‌توانیم از این پشتوانه برای متقاعدسازی فضای آموزشی بهره ببریم، معاون فرهنگی و اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی نیز در توضیح این اقدام گفته است: در سطوح علمی فرهنگی، اجتماعی و پوششی ضوابطی وجود دارد و همان‌طور که می‌دانید در همه دانشگاه‌های دنیا یک کد پوششی را تعریف کرده‌اند و ما در دانشگاه علامه نیز تاکید داریم که در گام اول به صورت تبیینی و آگاهی بخشی در فضای دانشگاه فرهنگ‌سازی کنیم، وی معتقد است: عده بسیار محدودی هستند که بعضا به هنجارها یا از سر ناآگاهی یا به دلایل مختلف بی‌اعتنا و بی‌توجه هستند که ما برنامه‌ریزی‌هایی در این‌رسانا در دستور کار داریم و می‌خواهیم به صورت همدلانه، اقناعی و انگیزشی با دانشجویان ارتباط برقرار کنیم، شاید اگر دانشگاه خواهد طبق قواعد دانشگاهی با افرادی

دانشگاه لانگ‌وود آمریکا: هر گونه لباس بدن‌نما، لی و کفش‌های صندل ممنوع است.

دیگر باید از مترو پیاده می‌شدم اما صحبت‌های خانم‌ها ذهنم را مشغول کرده بود، سعی کردم در این باره بیشتر تحقیق کنم.

با دانشجوی دیگری صحبت کردم که گفت: دانشگاه یک محیط علمی است، هر محیط علمی ضوابط مخصوص به خود را دارد، تمام دانشگاه‌های معتبر دنیا از قواعد پوشش برخوردار هستند و این موضوع برای رشد علمی دانشجو و دانشگاه امری بدیهی است اما بسیار عجیب است این سطح

از بدجوابی و بی‌عفتی در دانشگاه‌ها خصوصا دانشگاه‌های معتبر کشور دیده می‌شود و مسئولان دانشگاه هیچ نظارت و برخوردی ندارند یا بسیار سهل‌گیرانه برخورد می‌کنند.

خواستم نظر مسئولان دانشگاه‌ها را هم بدانم

جریان‌ها و عدم انتخاب شایستگی می‌شود، ضعف در

نگارش قوانین و عدم حاکمیت قانون و…

لذا برای اصلاح حکمرانی کشور و تحول در مناسبات فوق لازم است، برنامه‌ریزی جدی و فوری

شود و در این میان باید از فرصت برنامه هفتم توسعه استفاده شود. مهم به ذکر است که این تحولات نشانه زنده بودن مسیر انقلاب اسلامی است همان‌طور که رهبر انقلاب در سال ۱۳۹۰ در یک جمع دانشجویی

ضمن تاکید بر ثبات نظام اسلامی در حرکت مستمر به‌سوی آرمان‌ها، به ممکن بودن و حتی لازم بودن

تغییر در سازوکارها اشاره کرده و فرمودند: «دولت ایجاد انجامعی اسلامی؛ این‌ها ممکن است کهنه بشود. ممکن است اقتضانات در دنیا جریا بشود که این سازوکار، این هندسه نظام، کامل نباشد، مطلوب نباشد، لازم باشد عوض شود؛ هیچ اشکال ندارد. نظام اسلامی این ظرفیت را دارد. اگر نظامی نداد، آن آرمان‌هاست، آن آرمان‌ها بکنه‌بشو نیست؛ اما سازوکارها، چنین این نهادهایی که می‌خواهد ما را به آن آرمان‌ها برساند، قابل تو شدن است. البته

همین تغییر هم باید متکی به اصول باشد. همین نگاه دوباره و نوسازی و بازسازی هم بایستی با نظری به اصول باشد؛ برگرفته و برخاسته از اصول اسلامی باشد. مثلا فرض بفرمایید شایسته‌سالاری، احساس

بشود که شایسته‌سالاری، به این شکل، بهتر تحقق پیدا می‌کند؛ با عدالت، به این شکل، بهتر تحقق پیدا می‌کند.» لذا اگر بناسد در سال «مهار تورم و رشد تولید» و سال‌های بعد از آن، نتیجه‌ای متفاوت از دهه‌های قبل به دست آید، ضروری است نسبت به آسیب‌شناسی دقیق سازوکارهای فوق و نوسازی نظام اداری اقدام شود.

۲- ضرورت بازتعریف نقش نفت و گاز و اقتصاد ملی
ذخایر نفتی و گازی کشور یکی از نعمت‌های خدادادی کشور و یکی از نقاط قوت کشور در عرصه بین‌الملل بوده و هست، لیکن این نعمت در قریب به شش دهه گذشته منجر به شکل‌گیری یک زیست نفتی اشتباه در اقتصاد ایران شده است که مختصات آن عبارت است از:

• تمرکز بر تولید نفت و گاز و صنایع سرمایه‌بر مرتبط با آن با سرمایه‌گذاری‌های دولتی و کم‌توجهی به صنایع

کاربر که عرصه واقعی حضور مردم است.

• سرکوب نرخ ارز از محل ارزهای نفتی که سبب ترجیح کالاها، وارداتی نسبت به تولید داخل و شکل‌گیری صنعت مونتاژ مجور در داخل کشور شده است که ارزش‌افزوده کمی دارد و همچنین منجر به افزایش سرسام‌آور قیمت کالاهای غیرقابل تجارت مثل مسکن شده است.

• غفلت از دریافت مالیات به‌ویژه در دوران وفور درآمد نفتی که منجر به تضعیف رابطه دولت و ملت و پاسخگویی مسئولین شده است.

اخبارشان با دانش‌آموزان نیز ضمن تبیین خطوط اساسی نظم بین‌الملل، این سؤال را مطرح کردند که «نقش ما ایرانی‌ها، جایگاه ما ایرانی‌ها در این نظم جدید چیست؟» واقعیت آن است که در قریب به ده سال اخیر که تغییرات نظم جهانی سرعت یافته است و کشورهای مختلف درصدد جانمایی خود نیز در برقراری تعاملات اقتصادی برون مرزی در عرصه بین‌الملل بوده‌اند، ما به دلیل ضعف نظام تصمیم‌گیری در کشور تلاش قابل قبولی در خصوص بهره‌برداری اقتصادی از جایگاه جغرافیایی و تاریخی خود نکرده‌ایم و این تهدید بزرگ وجود دارد که

دیدگاه اساتید

تحول آفرینی اقتصادی با دوری از تکرار خطاهای گذشته

• پرداخت انبوه یارانه نقدی که منجر به محاق رفتن فرهنگ کار و تلاش شده است.

• تجمع قدرت توزیع رانت نفتی در دستگاه دولت و به‌نوع آن جذاب شدن مسئولیت‌های دولتی.

• تشدید نگاه امنیتی برای جلوگیری از فساد در مسئولیت‌ها و کم‌رنگ شدن تخصص و فاصله گرفتن از شایسته‌سالاری و…

همه این موارد منجر به شکل‌گیری و دوام تورم‌های مزمن و رشداهای اقتصادی کم‌رعمق و بانوسان بالا (ماتر از نفت) شده است. لذااست که به‌درستی رهبر معظم انقلاب یکی از موضوعات تحولی را «ایجاد اقتصاد بدون نفت» می‌داند که قطعا به معنی بستن در چاههای نفت و عدم استخراج و فروش آن نیست بلکه به معنی تغییر مناسبات فوق‌الذکر است که نیازمند برنامه‌ریزی بلندمدت خواهد بود. ویژگی دیگر این تحول این است که هم‌زمان هم تحول در حکمرانی دولت است و هم تحول در سبک زندگی عمومی مردم و انتظارات آنها از دولت و این دقیقا موضوع مورد تاکید رهبری است.

۳- ضرورت توجه به تاریخ و جغرافیای ایران
رهبر انقلاب در دیدار اخیر مسئولان نظام با

اشاره به موقعیت ژئوپلیتیک ایران و رقابت کشورهای مختلف برای بهره‌برداری از موقعیت جغرافیایی خود فرمودند: «موقعیت ما از لحاظ جغرافیایی خیلی حساس است؛ یعنی در این منطقه شاید هیچ کشوری نباشد که یک چنین موقعیت ممتازی داشته باشد.»

این موضوع در تاریخ ایران هم سابقه دارد آنجا که ایران جزئی از راه ابریشم که عمده‌ترین مسیر تجاری آن روزگار بود، قرار داشت. ایشان در دیدار

• بی‌نوشت‌ها در تحریریه موجود است.

صفحه ۷

پنج‌شنبه ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۲

۱۳ شوال ۱۴۴۴ - شماره ۳۳۲۹۲

یادداشت دانشجویی

«رفراندوم» نه به هر قیمت!

هر از چند گاهی مسئله رفراندوم و همه‌پرسی در جامعه ما بازارش داغ می‌شود و وقوع حوادث و اتفاقات خاص سیاسی، زمینه را برای طرح این مسئله از سوی افراد مختلف با اغراض متفاوت پیش می‌آورد.

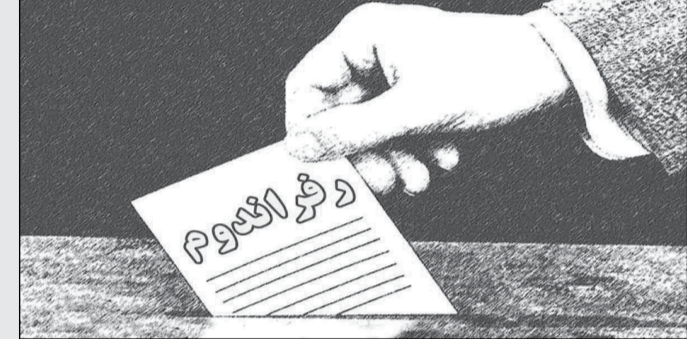
این روزها باز برخی فرصت را برای طرح این مسئله، غنیمت شمرده، بدون توجه به فلسفه حقوقی طرح رفراندوم در قوانین کشورها و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حرف از رفراندوم در کشور را به میان آورده‌اند.

مراد ما از رفراندوم فقط در یکی از سه حالت زیر مطرح است:

نوع اول؛ رفراندوم برای تعیین نوع حکومت

اصولا طرح رفراندوم در قوانین اساسی همه نظام‌های سیاسی با لحاظ حفظ اصل آن نظام، طراحی شده و هیچ نظامی هر چند خیلی دموکراتیک هم باشد اصل موجودیت خود را به بحث و رای نمی‌گذارد. رفراندوم برای تعیین نوع نظام سیاسی در ایران در سال ۵۸ نیز پس از فروپاشی رژیم گذشته و در شرایط خلأ قدرت صورت پذیرفت وگرنه این اقدام نیز تاکنون در هیچ کشور دیگری در دنیا نه سابقه داشته و نه لاحق. تنها و تنها این جمهوری اسلامی ایران بوده که تعیین نوع نظام سیاسی‌اش را به آرای عمومی گذاشته و بس.

برخی به اشتباه تصور می‌کنند که چون یکی از حقوقی که در برخی نظام‌های دموکراتیک به رسمیت شناخته شده «حق اعتراض مدنی» است این امر بدین معنی است که افراد می‌توانند آزاد باشند تا علیه اصل نظام سیاسی نیز فعالیت و یا تبلیغ کنند؛ در حالی که این حق به مسائلی در ذیل نظام سیاسی برمی‌گردد. بدین معنی که اگر عده‌ای از مردم به یک مصوبه مجلس یا یک اقدام دولت یا قوه قضائیه در کشور اعتراض داشتند با استفاده از این حق می‌توانند اعتراض‌شان را در قالب یک تجمع یا راهپیمایی اعلام کنند اما این‌که بیایند و اصل نظام سیاسی را تخطئه کنند (جنبش ۹۹ درصدی‌ها علیه یک درصد حاکم) را در آمریکا می‌بینیم که به وسیله دولت آمریکا به شکل خشنی مهار می‌شود و همچنین جنبش حلیقه زردها در فرانسه که به وسیله دولت ماکرون به شدت سرکوب می‌شود زیرا که هر دو جنبش علیه نظام سرمایه‌داری بوده‌اند در حالی که روح هر دو نظام آمریکا و فرانسه سرمایه‌داری است. اکنون حتی اگر بخواهیم از جامعه جهانی بگذریم و بگوییم ما جامعه آرمانی خود را مد نظر قرار بدهیم نتیجه این می‌شود در صورتی ما اصل نظام را به همه پرسی می‌گذاریم که تردید داشته باشیم اکثریت مردم اصل جمهوری اسلامی را طرد می‌کنند در حالی که برگزاری رفراندوم تنها معیار شناخت دیدگاه‌های نسل‌ها پیرامون نظام‌های سیاسی نیست، بلکه راهکارهای متعددی از قبیل انتخابات، راهپیمایی، نظارت و نقد و بررسی عملکرد مسئولین، کمک به تحقق اهداف و آرمان‌ها، اصلاح مشکلات و همکاری در پیشرفت کشور در عرصه‌های مختلف برای اعمال حق حاکمیت نسل‌ها و شناخت دیدگاه‌های آنان وجود دارد.



نوع دوم؛ رفراندوم برای قانون اساسی

در این رفراندوم قانون اساسی و اصلاحات آن به آراء عمومی گذاشته می‌شود که در جمهوری اسلامی ایران، یک بار سال ۵۸ خود قانون اساسی و یک بار سال ۶۸، اصلاحات آن به رفراندوم گذاشته شد پس در صورت لزوم مجددا انجام خواهد شد.

نوع سوم؛ رفراندوم براساس قانون اساسی

این نوع رفراندوم درون کشورها منطبق بر اصول قانون اساسی خاص هر کشور، برگزار می‌شود. طبق اصل ۵۹قانون اساسی، «در مسائل بسیار مهم (و نه مسائل مهم) اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، ممکن است اعمال قومنده از راه همه‌پرسی و مراجعه مستقیم به آرای مردم صورت گیرد. درخواست مراجعه به آرای عمومی باید ریاست جمهوری و هم در روزهای اخیر، مسئله رفراندوم را مطرح کرده است. سؤال این است که چرا در طول ۸ ساله که رئیس‌جمهور بود، حتی یک بارهم درخواست رفراندوم را به طور رسمی ارائه نداده است؟ چرا فقط آن را در تریبون اعلام کرده و صرفا مانور سیاسی داده است؟

رفراندوم در مواردی قابل برگزاری است که خلاف قانون اساسی نباشد. مثلا اگر بخواهیم در موضوع حجاب رفراندوم برگزار کنیم، جدای از آنکه رای بیابورد یا نه، این کار خلاف قانون اساسی است. زیرا طبق اصل چهارم قانون اساسی «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها، باید براساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است.» اگر قرار باشد قانون اساسی رعایت نشود، دیگر سنگ روی سنگ بند نیست و جامعه مدنی تبدیل به قانون جنگلی می‌شود.

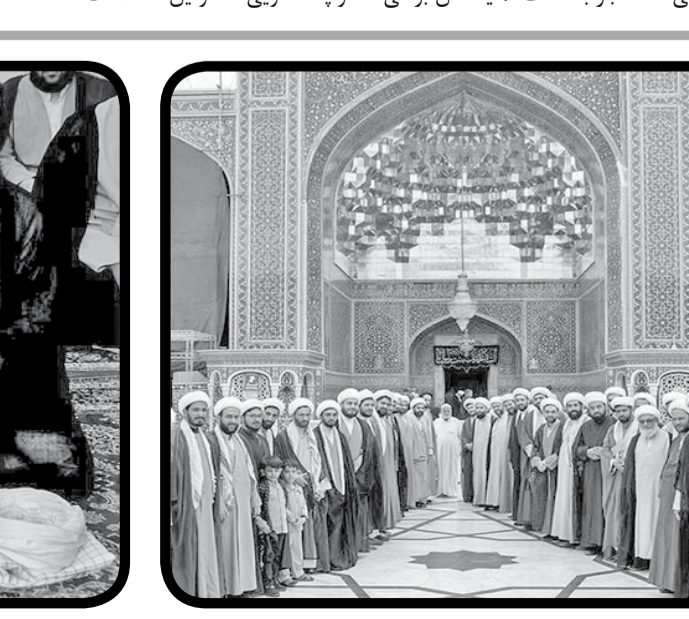
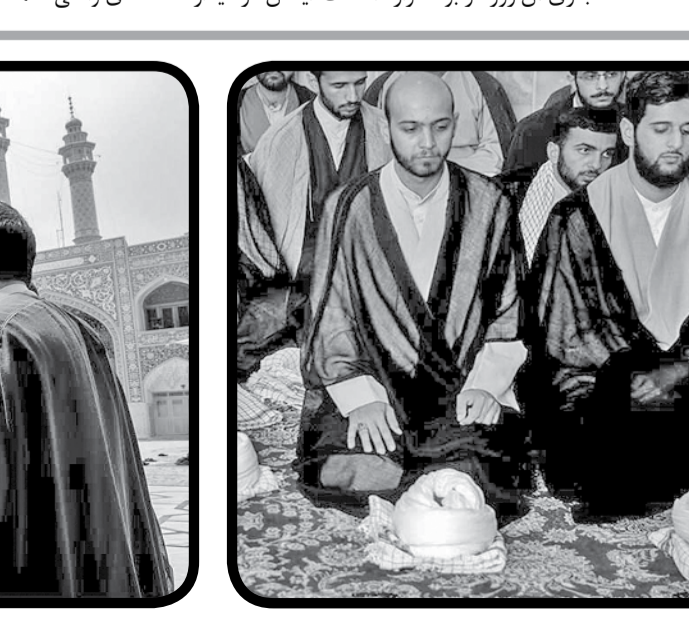
نکته دیگر این است که اگر قرار باشد برای تمام مسائل، رفراندوم برگزار شود؛ پس تکلیف قوانین چه می‌شود؟ نقش پارلمان در تصمیم‌گیری کجای کار است؟ رئیس‌جمهور چه نقشی دارد؟ مگر می‌شود برای هر موضوعی به آرای عمومی مراجعه کرد؟ در این صورت یک کشوری خواهیم بود که هر روز فقط انتخابات برگزار می‌کنیم و اصلا فرصت به اجرا نمی‌رسد. نکته مهم‌تر اینکه حد رفراندوم‌ها کجاست؟ چه کسی قرار است تعیین کند که تا کجا رفراندوم برگزار کنیم؟ چه تضمینی است که امروز یک رفراندوم برگزار شود و فردا دوباره خلاف آن از سسوی عده‌ای دیگر درخواست نشود؟ در کجای دنیا کدام کشور این‌گونه اداره می‌شود؟

ای کاش به جای معلق بودن در هوای حق و آزادی در زمین جست و جو کنیم و ببینیم و بدانیم که ماهه‌است که فرانسه درگیر آشوب و تظاهرات شدید و خشونت‌آمیز شده است و صرفا به خاطر اینکه سن بانزستگی، تغییر کرده است. چرا در فرانسه که ادعای دموکراسی دارد، برای این موضوع سسهاد رفراندوم برگزار نمی‌شود؟ چرا رئیس‌جمهور فرانسه این‌قدر تاکید دارد که موضوع مصوب شده و باید اجرا شود؟ آمریکا از نگاه غربی به عنوان مهد دموکراسی و آزادی معرفی می‌شود. جایی که به عنوان نماد عینیت دموکراسی است. آمریکا همان کشوری است که دلیل حضور نظامی و جنگ در منطقه را، گسترش دموکراسی بیان می‌کند. اما جالب است بدانید در قانون اساسی این کشور، اساسا موضوعی با عنوان رفراندوم وجود ندارد و تاکنون رفراندوم ملی در این کشور برگزار نشده است.

همه‌پرسی قانون اساسی اتحادیه اروپا، که برای بار دوم هم رای نیاورد. تکرار این رفراندوم از آن‌جایی بود که سیاستمداران خواهان تصویب آن بودند اما مردم، تمایلی به آن نداشتند. برای همین آن را تکرار کرده تا به هدف خود برسند. اگر در کشورهای اروپایی از راه رفراندوم واقعا به دنبال نظر مردم بودند، چرا آن را تکرار کردند؟

• **علیرضا حکمت**

دبیر انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی



تصاویری

از مراسم عمامه‌گذاری طلاب

در حرم حضرت فاطمه معصومه(س)